





دانشگاه تهران
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

بررسی فقهی – حقوقی پرداخت هزینه دادرسی از سوی طرفین دعوا

نگارش: عبدالرضا اسکندری

استاد راهنما: دکتر حمید انصاری
استاد مشاور: دکتر علی مظهر قرا ملکی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته
فقه و مبانی حقوق اسلامی

مهر ۹۳

دو

چکیده

درفقه امامیه در باب جواز یا حرمت اخذ اجرت قاضی از طرفین دادرسی دو نظریه وجود دارد:

۱-نظریه‌ی مشهور فقیهان که برحرمت اخذ هرگونه هزینه‌ای از طرفین دعوا استوار گردیده است؛

ایشان در این نظریه مستنداتی دارند که مهم‌ترین آنها از این قرار است:

حرمت اخذ اجرت بر واجبات، اخباری که مستقیماً ناظر به اجور قضات است، اخباررشوه، اجماع

فقها برحرمت اخذ اجرت از طرفین دعوا و عدم مالیت قضا و در نتیجه حرمت اخذ هرگونه هزینه

برآن.

۲-نظریه دوم مربوط به عده‌ای از فقها میباشد؛ ایشان معتقدند اخذاجرت برقضا از طرفین دعوا

جایز است؛ زیرا وجوب قضا برقاضی را مانع از اخذ اجرت نمی‌دانند و تنها در مواردی اخذ اجرت

برواجبات را حرام می‌دانند که دلیل مستقلی برعدم جواز اخذ اجرت اقامه شود.

ضمن اینکهایشان اخباری که مستقیماً ناظر به اجور قضات است را نیز مربوط به قضات دستگاه

ظالم و حکام ستمگر می‌دانند و همچنین اجماع ادعا شده را ثابت نمی‌دانند؛ علاوه براین ایشان

معتقدند در بحث ما ادله‌ای وجود دارد که دلالت برجواز اخذ اجرت برقضا می‌کند.

مثل تعدادی از روایات و اینکه دادرسی به صرف واجب بودن از اینکه جزء مصالح مسلمین باشد

خارج نمی‌شود.

کلمات کلیدی:قضا ، رشوه ، اجرت ، جعل ، بیت المال

تقدیر و تشکر

از همه‌ی کسانی که در تهیه‌ی این پایان نامه با بذل عنایت مرا یاری رسانده‌اند؛ از مساعدت و زحمات استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر حمید انصاری که از راهنمایی‌های دلسوزانه‌ی ایشان در تمام مراحل تحقیق بهره‌مند گشتم واستاد محترم مشاور کمال تشکر را دارم.

فهرست مطالب

فصل اول.....	۱
کلیات.....	۱
۱-۱ مقدمه.....	۲
۲-۱ پیشینه.....	۳
۳-۱ سوالات تحقیق.....	۳
۴-۱ تعریف موضوع و ضرورت اجرای طرح.....	۳
۵-۱ فرضیات تحقیق.....	۴
۶-۱ واژگان و اصطلاحات.....	۴
۱-۶-۱ قضا.....	۵
۱-۶-۱-۱ قضا در قرآن.....	۵
۱-۶-۱-۲ قضا در کلام فقها.....	۶
۱-۶-۱-۲-۱ تعریف امام خمینی(ره).....	۶
۱-۶-۱-۲-۱-۲ تعریف شیخ انصاری.....	۶
۱-۶-۱-۲-۱-۳ تعریف فاضل هندی.....	۷
۱-۶-۱-۲-۱-۴ تعریف شهید ثانی.....	۷
۱-۶-۲ رشوه.....	۷
۱-۶-۲-۱ تعریف شیخ انصاری.....	۷
۱-۶-۲-۲ تعریف لغوی رشوه.....	۸
۱-۶-۳ اجرت.....	۹
۱-۶-۴ جعل.....	۹
۱-۶-۵ رزق.....	۱۰

۱-۶-۶ قاضی، مفتی، مجتهد.....	۱۰
۱-۶-۷ فرق بین جعل و اجرت.....	۱۱
۱-۷-۷ چارچوب کلی تحقیق.....	۱۱
۱-۷-۱ نظریه‌ی عدم جواز اخذ هزینه.....	۱۲
۱-۷-۲ ادله قایلین به عدم جواز.....	۱۲
۱-۷-۳ نظریه قایلین به جواز.....	۱۳
۱-۷-۴ مدعا و استدلال آیت الله خویی.....	۱۴
۱-۷-۵ مدعا و استدلال آیت الله فاضل لنکرانی.....	۱۵
۱-۷-۶ سایر ادله جواز اخذ هزینه.....	۱۶
فصل دوم.....	۱۷
آرای فقها و ادله‌ی ایشان.....	۱۷
۱-۲ مقدمه.....	۱۸
۲-۲ بخش اول: گزارشی از نظرات فقها پیرامون هزینه دادرسی.....	۱۹
۲-۲-۱ نظریه شهید اول.....	۱۹
۲-۲-۲ نظریه امام خمینی.....	۲۱
۲-۲-۲-۱ شاهد بحث:.....	۲۱
۲-۲-۳ نظریه محقق حلی.....	۲۲
۲-۳-۲-۱ شاهد بحث:.....	۲۲
۲-۲-۴ نظریه شهید ثانی.....	۲۳
۲-۴-۲-۱ شاهد بحث.....	۲۴
۲-۴-۲-۲ نتیجه‌گیری.....	۲۵
۲-۲-۵ نظریه صاحب جواهر.....	۲۶

- ۲۷..... ۲-۲-۵-۱ نقادی صاحب جواهر نسب به نظریه‌ی جواز:
- ۲۸..... ۲-۲-۵-۲ شاهد بحث
- ۳۰..... ۲-۲-۶-۶ نظریه آیت الله خویی
- ۳۲..... ۲-۲-۶-۱ نتیجه‌گیری
- ۳۲..... ۲-۲-۷-۷ نظریه آیت الله فاضل لنکرانی
- ۳۵..... ۲-۲-۷-۱ نتیجه‌گیری
- ۳۶..... ۲-۲-۸-۸ نظریه شیخ طوسی
- ۳۷..... ۲-۲-۸-۱ نتیجه‌گیری
- ۳۹..... ۲-۲-۹-۹ نظریه علامه حلی
- ۳۹..... ۲-۲-۹-۱ نتیجه‌گیری
- ۴۰..... ۲-۲-۱۰-۱۰ نظریه مرحوم آشتیانی
- ۴۱..... ۲-۲-۱۰-۱ نتیجه‌گیری
- ۴۲..... ۲-۲-۱۱-۱۱ نظریه مرحوم سبزواری در مذهب الاحکام
- ۴۴..... ۲-۲-۱۱-۱ نتیجه‌گیری
- ۴۵..... ۲-۲-۱۲-۱۲ نظریه مرحوم نراقی در مستند
- ۴۵..... ۲-۲-۱۲-۱ نتیجه‌گیری
- ۴۶..... ۲-۲-۱۳-۱۳ نظریه فخر المحققین در ایضاح
- ۴۶..... ۲-۲-۱۳-۱ شاهد بحث
- ۴۷..... ۲-۲-۱۳-۲ جواب مرحوم فخرالدین حلی به ادله‌ی مجوزون
- ۴۸..... ۲-۲-۱۳-۳ نتیجه‌گیری
- ۴۹..... ۲-۲-۱۴-۱۴ نظریه شیخ انصاری در مکاسب
- ۵۲..... ۲-۲-۱۴-۱ نتیجه‌گیری

۵۳	 نظریه مرحوم تبریزی در تنقیح
۵۴	 ۱-۱۵-۲-۲ شاهد بحث
۵۶	 ۲-۱۵-۲-۲ نتیجه گیری
۵۷	 ۱۶-۲-۲ نظریه کاشف اللثام
۵۸	 ۱-۱۶-۲-۲ شاهد بحث
۵۹	 ۲-۱۶-۲-۲ نتیجه گیری
۶۰	 ۱۷-۲-۲ نظریه محقق سبزواری در کفایه الاحکام
۶۰	 ۱-۱۷-۲-۲ شاهد بحث
۶۰	 ۲-۱۷-۲-۲ نتیجه گیری
۶۱	 ۱۸-۲-۲ نظریه شیخ مفید
۶۲	 ۳-۲ بخش دوم: اخذ اجرت بر واجبات
۶۲	 ۱-۳-۲ مقدمه
۶۳	 ۲-۳-۲ مکاسب محرمه
۶۴	 ۳-۳-۲ اخذ اجرت بر واجبات
۶۵	 ۴-۳-۲ محل نزاع
۶۵	 ۵-۳-۲ اقوال فقها
۶۶	 ۱-۵-۳-۲ قاضی ابن براج
۶۷	 ۶-۳-۲ بررسی ادله حرمت
۶۷	 ۱-۶-۳-۲ دلیل اول منافات با اخلاص
۶۷	 ۲-۶-۳-۲ نقد دلیل اول
۷۰	 ۳-۶-۳-۲ دلیل دوم: امتناع اجتماع دو مالک
۷۰	 ۴-۶-۳-۲ نقد دلیل دوم

۷۱	 ۵-۶-۳-۲ دلیل سوم: اجماع
۷۱	 ۶-۶-۳-۲ نقد دلیل سوم:
۷۲	 ۷-۳-۲ بخش دوم: ادله جواز
۷۳	 ۸-۳-۲ ارتزاق از بیت‌المال
۷۴	 ۹-۳-۲ نتیجه گیری
۷۵	 فصل سوم
۷۵	 آرای حقوق دانان
۷۶	 ۱-۳ مقدمه
۷۶	 ۲-۳ هزینه دادرسی در دعاوی مالی و غیرمالی
۷۷	 ۳-۳ هزینه طرح دعاوی کیفری
۷۸	 ۴-۳ اقامه دعوا از طریق دفاتر الکترونیک قضایی
۷۸	 ۵-۳ ناتوانی از پرداخت هزینه دادرسی
۷۸	 ۶-۳ دستمزد کارشناس
۷۹	 ۷-۳ حق الوکاله وکیل
۸۰	 ۸-۳ وضعیت هزینه‌های دادرسی پس از انقلاب اسلامی
۸۱	 ۹-۳ بررسی ادله ضمان محکوم علیه
۸۲	 ۱-۹-۳ دلیل اول
۸۳	 ۲-۹-۳ دلیل دوم
۸۳	 ۳-۹-۳ دلیل سوم
۸۳	 ۴-۹-۳ دلیل چهارم
۸۳	 ۵-۹-۳ دلیل پنجم
۸۴	 ۱۰-۳ هزینه‌های مطرح شده در قانون آیین دادرسی مدنی

۱۱-۳	مطالبه خسارات دادرسی بعد از صدور حکم.....	۸۸
۱۲-۳	جلوگیری از دعاوی واهی توسط وضع هزینه‌های دادرسی	۹۰
۱۳-۳	شرایط معافیت موقت از هزینه‌های دادرسی	۹۰
۱۴-۳	تشریفات لازم برای رسیدگی به اعسار از هزینه دادرسی	۹۱
۱۵-۳	مصاحبه با یکی از قضات دادگستری.....	۹۲
۹۳	فصل چهارم.....	۹۳
۹۳	جمع بندی و نتیجه گیری.....	۹۳
۱-۴	مقدمه	۹۴
۲-۴	نظریه اول - حرمت اخذ هزینه.....	۹۴
۱-۲-۴	ادله مشهور بر حرمت اخذ هزینه‌های دادرسی	۹۴
۳-۴	نظریه دوم - جواز اخذ هزینه.....	۹۶
۱-۳-۴	جواب آیت الله خویی به ادله مشهور	۹۷
۲-۳-۴	جواب آیت الله خویی به استناد به صحیحہ عمار بن مروان.....	۹۷
۳-۳-۴	جواب آیت الله خویی به استناد به روایت عبدالله بن سنان.....	۹۸
۴-۳-۴	جواب آیت الله فاضل به ادله مشهور	۹۸
۵-۳-۴	اشکالات آیت الله فاضل بر آیت الله خویی در استظهار از صحیحہ عمار بن مروان:.....	۹۹
۱-۵-۳-۴	اشکال اول.....	۱۰۰
۲-۵-۳-۴	اشکال دوم.....	۱۰۰
۳-۵-۳-۴	اشکال سوم.....	۱۰۰
۴-۵-۳-۴	اشکال چهارم.....	۱۰۰
۶-۳-۴	نظر نهایی آیت الله فاضل.....	۱۰۱
۷-۳-۴	جواب به صحیحہ عبدالله بن سنان	۱۰۱

۴-۳-۸ سایر ادله جواز..... ۱۰۱

منابع..... ۱۰۳

فصل اول

کلیات

الحمد لله الذی یقضی بالحق فی الدنیا و العقبی و الصلاه و السلام علی من ارسله لفصل القضاء فی الآخره و الاولی و آله الذین شرحوا لنا موازین القضاء.

دادرسی بین مردم از مهم‌ترین امور اجتماعی در حیات انسان از زمان هبوط حضرت آدم علیه السلام تا زمان انقراض عالم می‌باشد. شروع کننده‌ی دادرسی بین مردم خود ذات مقدس خداوند متعال می‌باشد و آخرین دادرسی بین مردم هم توسط خود خداوند متعال انجام می‌شود و آن در روز قیامت است. قضاء و دادرسی بین مردم اختصاص به پیروان یک دین و مذهب ندارد؛ لذا هر ملّتی دارای قاضی‌ای می‌باشند و هر واقعه‌ای محتاج دادرسی عادلانه است.

هر دادرسی‌ای اگر منطبق با قوانین مقدس شرعی باشد شکی در صحّت آن نیست و هر دادرسی‌ای که مخالف با قوانین مقدس شرعی باشد بدون شک باطل است. هر قاضی‌ای که به‌اندازه‌ی وسعش تلاش کند و توانائی خود را به کار بگیرد تا دادرسی او منطبق بر موازین الهی باشد بی شک مأجور بوده و قضای او نافذ است اما هر قاضی‌ای که دادرسی او منطبق با موازین شرعی و الهی نباشد جایگاه او آتش جهنم است. لذا باید برای این امر عظیم اهتمام زیادی به کار برد چراکه امر قضا از بزرگترین امانات الهی می‌باشد و لذا حتماً باید این امانت به اهل آن که انبیاء و امامان معصوم و علمای راستین یعنی کسانی که از هر جهت علماً و عملاً از ایشان پیروی می‌کنند بازگردانده شود تا اعراض و اموال و نفوس مردم که خداوند کوچک‌ترین هتک حرمتی را در آنها جایز ندانستند در مصونیت کامل باشد.

۱-۲ پیشینه

درباب پیشینه‌ی تحقیق اولاً پایان نامه‌ای در این زمینه کار نشده و مقالاتی که در این زمینه وجود دارد با رویکرد حقوقی صرف به مسئله نگریسته و به صورت فقهی بحث را مورد کنکاش قرار نداده‌اند.

ثانیاً مقالات حقوقی که در این زمینه وجود دارد در پی تبیین شکلی مواد قانونی است که در زمینه‌ی هزینه‌ی دادرسی وجود دارد و در پی تبیین چرایی فقهی مواد و بررسی مدارک و ادله‌ی آن نبوده‌اند. عناوین تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته ازین قرار است:

۱- هزینه دادرسی-قاسم بصری

۲- نقد و نظرراجع به هزینه دادرسی-مرتضی کاویانی

۳- بحث تطبیقی در اطراف هزینه دادرسی در سیستم‌های مختلف حقوقی-طلیعه منوچهر

۱-۳ سوالات تحقیق

۱- اخذ هزینه‌ی مستقیم دادرسی از طرفین دعوا چه حکمی دارد؟

۲- وجوب قضا بین مردم با گرفتن اجرت از ایشان یا ارتزاق قاضی از بیت المال چگونه قابل جمع است؟

۳- دلیل حرام بودن اخذ جعل یا اجرت توسط قاضی چیست؟

۱-۴ تعریف موضوع و ضرورت اجرای طرح

وجود منازعه و خصومت در جوامع امری طبیعی و مبتلا به بشر است که در جوامع اتفاق می‌افتد. دادرسی این منازعات و دادرسی بین آنها هزینه‌هایی را به دنبال دارد. ما در این پژوهش در پی این هستیم که آیا از نظر فقهی منبع تامین خسارت دادرسی کجاست؟

آیا اصل در منحصر بودن جواز اخذ هزینه‌ها در همان موارد مصرح قانونی است یا دادگاه می‌تواند هزینه ای غیر از هزینه های رایج قانونی بگیرد.

آیا از نظر فقهی اصل بر جواز اخذ هزینه‌ی دادرسی است یا نه؟

در صورتی که اصل عدم جواز باشد در مواردی که در قانون به لحاظ ضرورت اجازه دادند هزینه‌ای گرفته شود باید اقتصار به نصوص قانونی نمود و اخذ هزینه‌ای فراتر از آن جایز نیست.

همچنین در این پژوهش ما در پی این هستیم که آیا سایر هزینه‌های دادرسی از قبیل اجرت کارشناسی تحقیق، معاینه و... شرعاً بر عهده‌ی دادگاه و بیت‌المال مسلمین است یا بر عهده‌ی طرفین است.

۱-۵ فرضیات تحقیق

۱- اخذ هزینه‌ی مستقیم دادرسی از طرفین جایز نیست و اصل بر عدم توسعه آن است.

۲- با توجه به اینکه محل مصرف بیت المال مصالح مسلمین است و قضا بین مردم از اعظم مصالح است لذا ارتزاق قاضی از بیت المال بلا مانع است اما گرفتن اجرت از مردم حرام است.

۳- اصل در انحصار جواز اخذ هزینه‌ها در موارد مصرح قانونی بوده و اخذ هزینه‌ی مازاد بر موارد تصریح شده در قانون نیاز به دلیل دارد.

۱-۶ واژگان و اصطلاحات

در اینجا لازم است تعدادی از واژه‌های پرکاربرد در این تحقیق را معنا کنیم:

۱-۶-۱ قضا

۱-۱-۶-۱ قضا در قرآن

واژه‌ی قضا از واژگانی است که در قرآن کریم به کار رفته و در معانی مختلفی استعمال می‌شود که جامع همه‌ی معانی گوناگون آن «انقطاع الشی و تمامه» می‌باشد. اما واژه‌ی قضا و استعمالات آن در قرآن:

۱- استعمال در معنای خلق ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَواتِ فِی یَوْمَیْنِ- فَصَلَّتْ ۱۲- ای خَلَقْنَهُنَّ﴾ (مذهب الاحکام-جلد ۲۷-صفحه ۵)

۲- استعمال در معنای امر ﴿وَ قَضٰی رَبِّکَ اَنْ لَا تَعْبُدُوا اِلَّا اِیَّاهُ- اسرا ۲۳- ای امر بذلک﴾ (مذهب الاحکام-جلد ۲۷-صفحه ۵)

۳- استعمال در معنای آنها ﴿فَاِذَا قَضٰیْتُمْ مَناسِکَکُمْ بقره ۲۰۰- ای فرغم منها﴾ (مذهب الاحکام-جلد ۲۷-صفحه ۵)

۴- استعمال در معنای اعلام ﴿وَ قَضٰیْنَا اِلَیْهِ ذٰلِکَ الْاَمْرَ اَنْ دَابِرَ هٰؤُلَا مَقْطُوْعٌ- حجر، ۶۶- ای اعلامناهم﴾ (مذهب الاحکام-جلد ۲۷-صفحه ۵)

۵- استعمال در معنای ختم ﴿ثُمَّ قَضٰی اَجَلًا انعام ۲۱- ای ختم﴾ (مذهب الاحکام-جلد ۲۷-صفحه ۶)

۶- استعمال در معنای علم ﴿وَ قَضٰیْنَا اِلٰی بَنٰی اِسْرَآئِیْلَ- اسراء ۴- عَلَمَناهم﴾ (مذهب الاحکام-جلد ۲۷-صفحه ۶)

۷- استعمال در معنای حکم که واژه‌ی قضا در تحقیق ما در این معنی به کار رفته است ﴿اِنَّ رَبِّکَ یَقْضِیْ بَیْنَهُمْ یونس ۹۳- ای یحکم بینهم﴾ (مذهب الاحکام-جلد ۲۷-صفحه ۶)

۸- استعمال در معنای فعل ﴿اَیْمًا الْاَجْلَیْنِ قَضٰیْتُ- قصص ۲۸- ای فعلت﴾ (مذهب الاحکام-جلد ۲۷-صفحه ۶)

اینها معانی واژه‌ی قضاء در استعمالات گوناگون آن در قرآن کریم بود.

۱-۶-۱-۲ قضا در کلام فقها

اما فقها نیز تعاریفی از واژه‌ی قضاء ارائه داده‌اند که ذیلاً به مهمترین آنها پرداخته می‌شود.

۱-۶-۱-۲-۱ تعریف امام خمینی (ره)

امام خمینی رحمه الله در کتاب تحریر الوسیله قضاء را اینگونه تعریف کرده‌اند: «هو الحكم بین الناس لرفع التنازع بینهم بالشرائط الآتیه» (تحریر الوسیله_جلد ۲_۴۰۴) داوری بین مردم برای برطرف کردن تنازع بین ایشان با شرائط آتیه.

۱-۶-۱-۲-۱-۲ تعریف شیخ انصاری

مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید «القضاء لغه و هو بالمد و القصر لمعان و لا یبعد ارجاع الكل الى معنى واحد و هو اتمام الشی و الفراغ عنه كما اعترف به الأزهري علی ما حکى عنه، أو فصل الامر قولاً و فعلاً كما فی كشف اللثام و القضاء اصطلاحاً و شرعاً كما فی المسالك و كشف اللثام و غیر هما: ولایه الحكم شرعاً لمن له اهلیه الفتوا بجزئیات القوانين الشرعیه علی اشخاص معینین من البر باثبات الحقوق و استیفائها للمستحق بل ربما یعبر عنه بالقضاوه و ان لم یسمع هذا الوزن فی کلام اهل اللغه».

(القضا و الشهادات_صفحه ۲۵)

یعنی قضا در لغت هم با الف مدّی ضبط شده (قضاء) و هم با الف قصری (قضا) و این واژه بر معنای مختلف و متعدّدی دلالت دارد و بعید نیست که همه‌ی این معانی به یک معنا برگردد و آن اتمام شیء و فراغت از آن باشد. همچنانکه ازهری صاحب کتاب تاج العروس

طبق آنچه که از او حکایت شده به همین معنا اشاره کرده.

۱-۶-۱-۲-۱-۳ تعریف فاضل هندی

فاضل هندی در کشف اللثام قضاء از نظر لغوی را به پایان دادن به کار چه با قول و چه به فعل تعریف کرده. (کشف اللثام ج ۱۰ ص ۱۰۵)

۱-۶-۱-۲-۱-۴ تعریف شهید ثانی

اما واژه‌ی قضا در اصطلاح فقهی و شرعی همانگونه که شهید ثانی نیز در مسالک الافهام فرموده عبارتست از متولی شدن صدور حکم منطبق بر جزئیات قوانین شرعیه برای کسانی که شایستگی افتا دارند (مجتهدین) که این ولایت برای اشخاص معینی از مردم و نه همه‌ی ایشان ثابت است که حقوقی را بر گروهی اثبات کرده و آنرا برای مستحق استیفا کنند. (مسالک ج ۱۳ ص ۳۲۵) و چه بسا از قضاء به قضاوت هم تعبیر می‌شود اگر چه وزن قضاوت از اهل لغت شنیده نشده.

۱-۶-۲-۲ رشوه

۱-۶-۲-۱-۱ تعریف شیخ انصاری

مرحوم شیخ انصاری در تعریف رشوه در کتاب مکاسبشان می‌فرماید: محقق ثانی رشوه را در کتاب حاشیه ارشاد - ما یبذله المتحاکمان - تفسیر کرده (یعنی آنچه متحاکمان می‌پردازند) و در جامع المقاصد در تعریف رشوه فرموده - ان جعل من المتحاکمین للحاکم رشوه - (آنچه از سوی طرفین دادرسی به حاکم داده می‌شود رشوه است) (المکاسب جلد ۱ صفحه ۲۴۱)

مرحوم علامه‌ی حلی نیز عیناً رشوه را به همین معنا تعریف کرده و فرموده اعطای رشوه و اخذ آن حرام است مگر در صورتی که برای اجرای حکم صحیح پرداخت شود که در اینصورت پرداخت آن بر معطی حرام نیست اما اخذ آن حرام است مطلقاً، چه برای حکم به

حق و چه حکم به ناحق.

۱-۶-۲-۲ تعریف لغوی رشوه

در کتاب مجمع البحرین در باب رشوه چنین می خوانیم:

تستعمل الرشوه فیما یتوصل به الی ابطال حق او تمشیه باطل

یعنی رشوه در جایی به کار می رود که بوسیله آن حقی را ابطال می کنند یا باطلی را حق جلوه می دهند. (مجمع البحرین_جلد ۱_صفحه ۱۸۴)

در کتاب المصباح المنیر آمده است:

هی ما یعطیه الشخص للحاکم او غیره لیحکم له او یحمله علی ما یرید

یعنی رشوه چیزی است که فرد به حاکم یا غیر او می دهد تا حاکم به نفع او حکم کند یا رشوه را به غیر حاکم بدهد تا حاکم را به سمتی که او می خواهد سوق دهد.

(المصباح المنیر_صفحه ۲۲۸)

در کتاب النهایه در باب رشوه چنین آمده است:

انها الوصله الی الحاجه بالمصانعه (النهایه_صفحه ۲۲۶)

در کتاب - النهایه - به تعریف راشی و مرتشی و رایش نیز پرداخته که ذیلا به آنها پرداخته می شود:

راشی: الذی یعطی ما یعینه علی الباطل (النهایه_ج ۲_ص ۲۲۶)

کسی که هزینه ای پرداخت می کند تا به منویات باطلش برسد.

المرتشی: آخذ یعنی گیرنده

الرایش: هو الذی یسعی بینها یتزید لهذا و یتنقص لهذا. (النهایه_ج ۲_ص ۲۲۶)

یعنی رایش کسی است که نقش دلال بین راشی و مرتشی را بازی کند و تلاش می‌کند با تنظیم مبلغی که بین این دو جابجا می‌شود ایشان را به یکدیگر برساند.

قال النبی صلی الله علیه و آله: الراشی و المرتشی و الرایش بینهما ملعونون.

بحارالانوار ج ۱۰۱- ۲۷۴

علامه‌ی طباطبائی صاحب تفسیر المیزان می‌فرماید گرفتن پول یا ارمغانی در برابر حکم یا انجام دادن عملی که وظیفه‌ی گیرنده است رشوه نامیده می‌شود.

در کتاب مفتاح الکرامه در تعریف رشوه آمده است:

انها من شخص معین لیکون الحکم له ان کان محقاً او مبطلاً و قد اخذ فيه أنه بحیث لولم یکن لم یفعل. یعنی رشوه را شخص معینی می‌پردازد تا حکم دادگاه به نفع او صادر شود چه حق با او باشد و یا با او نباشد. در مفهوم رشوه این قید وجود دارد که اگر پرداخت رشوه صورت نگیرد حکم صادر نمی‌شود.

(مفتاح الکرامه_جلد ۱۲_صفحه ۳۲۱)

۱-۶-۳ اجرت

ما یؤخذ من المتحاکمین او غیرهما کاهل البلد او المحله (مفتاح الکرامه ج ۱۲_ص ۳۲۰)

هزینه‌ای که از متحاکمین یا غیر ایشان مانند اهل شهر یا محله گرفته می‌شود.

۱-۶-۴ جعل

هو الاجره لکنها من المتحاکمین او احدهما لاتعدوهمما فیکون تابعاً للشرط قبل الشروع فی سماع الدعوی فان شرطه علیهما او علی المحکوم علیه فالفرق بینة و بین الرشوة ظاهر و ان شرطه علی المحکوم له فالفرق ان الحکم لایتعلق فيه باحدهما بخصوصه بل من اتفق له